

## انتخاب همسر در دو راهی سنت و مدرنیته

چند سالی هست به واسطه رسیدن دهه شصتی‌ها و البته هفتادی‌ها به سن ازدواج، این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و به‌روزترین بحث‌های جامعه ایران است



چند سالی هست به واسطه رسیدن دهه شصتی‌ها و البته هفتادی‌ها به سن ازدواج، این موضوع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و به‌روزترین بحث‌های جامعه ایران است، چه در سطح آکادمیک و چه در سطح گفت‌وگو روزمره مردم یا حاکمیت. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که حدود یک‌سوم جمعیت این کشور یعنی بیش از 24 میلیون نفر را جمعیت جوان 20 تا 35 ساله تشکیل می‌دهند.

به گزارش سلامت نیوز، ابتکار نوشت: تحصیلات، اشتغال و ازدواج در کنار هم مثلث نیازها و دغدغه‌های این جمعیت میلیونی را تشکیل می‌دهند که کاملاً به یکدیگر وابسته‌اند. افزایش سطح تحصیلات و کمبود فرصت‌های اشتغال در کنار هم، منجر به ایجاد ترکیبی از تغییر در سبک زندگی و افزایش توقعات در نگرش افراد شده است. از سوی دیگر، معیارهای انتخاب همسر امروز تغییر کرده و تاثیر این مسئله همراه با بیکاری و مشکلات اقتصادی به دنبال آن، به صورت مستقیم خود را در بالا رفتن سن و کاهش ازدواج خود را نشان می‌دهد. آمارها نشان می‌دهند ازدواج در سال‌های اخیر روندی نزولی داشته است که این اتفاق، دلایل متعددی دارد و بررسی آن نیازمند شنیدن حرف‌های مردم است؛ مردمی که وقتی با آنها در مورد این مسئله هم‌صحبت می‌شوی، در بعضی موارد هنوز خودشان نمی‌دانند که از ازدواج چه می‌خواهند یا چرا باید ازدواج کنند.

خیلی اهل خانواده نباشد

کارشناسی‌ارشد و مجرد است. او درباره معیارهای انتخاب همسر آینده‌اش می‌گوید: معیارها به نظرم خودخواهانه هستند اما به هر حال هر آدمی یک سری ویژگی دارد و نمی‌شود به اخلاق آدم‌ها برچسب خوب یا بد زد. چون این رفتار خاص آن آدم است. من سعی می‌کنم به آدم‌هایی که اخلاقم بیشتر به آنها می‌خورد نزدیک‌تر شوم. برای مثال من آدمی را می‌پسندم که اهل کوه رفتن و کارهای هیجان‌انگیز باشد. خیلی اهل خانواده نباشد چون من حوصله خانواده ندارم. برای من تحصیلات خیلی مهم نیست چراکه شعور طرف برایم بیشتر اهمیت دارد. میزان درآمدش هم در حدی باشد که بتوانیم با هم زندگی را اداره کنیم. هزینه‌های زندگی نباید روی دوش یک نفر باشد. او خیلی به ظاهر همسر اهمیت نمی‌دهد و می‌گوید: فقط باید از طرف خوشتر بیاید مهم نیست که چه قیافه‌ای دارد. سمیرا درباره تاثیر خانواده و آموزش نهادهای مسئول در حوزه ازدواج توضیح می‌دهد: امروز بهتر است که خانواده‌ها دخالت نکنند و کار را به جوانان بسپارند. از طرف دیگر هر کنشی که داریم ناشی از آموزش‌هایی است که دیدیم یا ندیدیم که خیلی در رفتارهای ما موثر است. یکی از ضعف‌های سیستم آموزشی ما در دانشگاه‌ها و موسسات عالی این است که واحدهای تنظیم خانواده خیلی به معارف اسلامی گره خورده است درحالی که این مسئله فراتر از آن است و باید این آموزش‌ها طبق استانداردهای یونسکو باشد.

مهرداد؛ هم 29 ساله و مجرد است. این شهروند درباره معیارهای انتخاب همسر می‌گوید: مهم‌ترین موضوع این است که 2 نفر بدانند که از زندگی چه می‌خواهند. اینکه 20 سال مجرد بودند و حالا بدون هیچ برنامه و شناختی بخواهند کورکورانه ازدواج کنند، قطعاً به بن‌بست خواهند خورد. حتی قبل از ازدواج باید اولویت بعد ازدواج مشخص باشد که 2 طرف درگیر خود ازدواج نباشند. ازدواج کردن فقط باید یک پل برای گذشتن از زندگی باشد اما در جامعه ما این مسئله تمام زندگی است.

ظاهر همسر خیلی مهم است

از سوی دیگر، سلامت شخصیتی، روانی، جسمی، اخلاقی، خانوادگی و وجود اشتراک؛ های فرهنگی و اقتصادی میان 2 خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است و بی‌توجهی به این عوامل زمینه‌ساز بروز مشکلات پس از ازدواج می‌شود. موضوعی که فاطمه؛ به آن اشاره می‌کند. او 25 ساله، کارشناسی ادبیات و مجرد است و برخلاف؛ سمیرا؛ به ظاهر فرد خیلی اهمیت می‌دهد و می‌گوید: نگاه اول وقتی کسی را می‌بینی، اولین چیزی که تاثیر می‌گذارد که تو جذب طرف شوی، ظاهر فرد است. ظاهر خیلی مهم است. حالا هرکسی سلیقه متفاوتی دارد. یکی بور دوست دارد، یکی سبزه. این معیاری فردی است. در قدم بعدی اخلاق و رفتار مطرح می‌شود که در جریان رابطه مشخص می‌شود که این هم فاکتور مهمی است. سلیقه؛ هایمان باید در سبک زندگی و تفریح یکی باشد. برای مثال من آدمی نیستم که خیلی اهل مهمانی رفتن باشم بعد اگر با یکی ازدواج کنم که بخواهد هر شب مهمانی برود مسلماً به مشکل می‌خوریم. او معتقد است که؛ خانواده خیلی در تصمیم‌گیری نمی‌تواند موثر واقع شود. چون رابطه؛ ها در آغاز پنهانی شکل می‌گیرد و اگر 2 نفر در جریان رابطه نتوانند به توافق برسند تصمیم؛ شان را علنی نمی‌کنند. اگرچه او نقش خانواده را در انتخاب همسر و تصمیم‌گیری؛ اش چندان مهم نمی‌داند اما معتقد است:؛ خانواده طرف مقابل خیلی مهم است که چه کسانی هستند چراکه وقتی با کسی ازدواج می‌کنی فقط با او ازدواج نمی‌کنی. در واقع با یک خانواده بزرگ وصلت می‌کنی. اگر سطح خانواده‌ها به هم نزدیک نباشد، ازدواج خیلی نمی‌تواند دوام بیاورد.

بهترین رفیق آدم باشد

اما؛ مجید؛ 32 ساله که مجرد است تحصیلاتش را در کارشناسی ارشد در رشته آی‌تی تمام کرده و به دنبال کار است. او به ازدواج فکر نمی‌کند و برای او اساساً مسئله؛ ای نیست که بخواهد در موردش صحبت کند اما او درباره معیارهای انتخاب همسر آینده؛ اش می‌گوید:؛ من فقط یک معیار دارم. آن هم اینکه همسر من باید بهترین رفیق آدم باشد.

سیستم آموزشی در جهت؛ دهی موثر نیست

در این میان، کسانی هستند که ازدواج موفق داشته‌اند و از وضع زندگی خود راضی هستند.؛ مسعود؛ 37 ساله و لیسانس است. او 14 سال است که ازدواج کرده و از ازدواجش راضی است. این شهروند درباره معیارهای انتخاب همسرش می‌گوید:؛ معیارهای مثل صداقت، راستگویی و پاکدامنی و... که همه می‌گویند و طرف مقابل باید داشته باشد، مواردی کلی است. مسئله؛ ای که من خیلی برایم مهم بود این بود که همسر من تحت هر شرایطی پشتیبان من باشد. چه از لحاظ مالی، چه از لحاظ کاری و چه از لحاظ اجتماعی. شخصیت من را همانطوری که هستم بپذیرد یعنی دنبال تغییر من و مقایسه کردن نباشد. همسر من نکته را خیلی خوب فهمید و هیچ‌وقت سعی نکرد من را به شرایط خودش نزدیک؛ تر کند. او نگاه سنتی به ازدواج را نمی‌پسندد و درباره تاثیر خانواده بر انتخاب همسر، توضیح می‌دهد:؛ خانواده خیلی در این انتخاب موثر نیست. من همسر را خودم انتخاب کردم. چون انتخاب درستی بود خانواده؛ ام از من حمایت کردند. خانواده من هیچ‌وقت مخالفتی نکردند چون از لحاظ فرهنگی خیلی به هم نزدیک بودیم.؛ او سیستم آموزشی کشور را در ارائه آموزش؛ های لازم در حوزه ازدواج خیلی موفق نمی‌داند و می‌گوید:؛ سیستم آموزشی شاید بتواند یک سری کلیات را برای انتخاب همسر آموزش دهد اما فرهنگ خانواده؛ ها با هم فرق می‌کند. ارزش؛ های خانواده؛ ها متفاوت است. برای مثال خانواده؛ ای پول برایش مهم است خانواده؛ ای زیبایی، خانواده؛ ای موقعیت کاری. جزئیات مهم؛ تر از کلیات است و در کل اینکه آدم در چه خانواده ای بزرگ شده خیلی مهم است.

نگاه به ازدواج به مسائل جنسی تقلیل یافته است

از سوی دیگر، معضلی که در جامعه امروز دامن برخی جوانان را گرفته است، زود ازدواج کردن است. و مریم؛ 22 ساله و متاهل است. او دلیل زود ازدواج کردنش را فشار خانواده عنوان می‌کند و حالا می‌گوید که پشیمان است. او که تازه متوجه شده نباید تن به ازدواج می‌داد، می‌گوید: «اول همه آرمانی فکر می‌کنند. چیزی که می‌بینی و چیزی که درباره آن صحبت می‌کنی همه خوب به نظر می‌رسند اما اینکه در عمل چه اتفاقاتی می‌افتد و بعد از ازدواج چه پیش می‌آید خیلی متفاوت است. ازدواج در جامعه به مسائل جنسی فرو کاسته شده درحالی که از دیدگاه من این ابتدایی‌ترین بعد این مسئله است. برای همین آمار طلاق در کشور زیاد شده است.» او اضافه می‌کند: «من بعد از ازدواج تازه فهمیدم که چه می‌خواهم و باید با آدمی مثل خودم ازدواج می‌کردم اما حالا دیر شده...»

والدین دیگر نقشی ندارند

اما نگاه نسل گذشته به ازدواج، نگاه متفاوتی است. «مهمشید؛ 50 ساله، 25 سال است که ازدواج کرده است و از زندگی راضی است. او می‌گوید: «خیلی سخت نگرفتم. همسر مرد مهربان و با ایمانی بود و هست.» او درباره نقش خانواده می‌گوید: «ها در مسئله ازدواج جوانان توضیح می‌دهد: «خانواده می‌تواند در این زمینه به بچه کمک کند. می‌گویند: آنچه پیر در خشت بیند جوان در آینه نبیند.» این تجربه بزرگترهاست که می‌تواند مسیر درستی به جوانان نشان دهد. ما روی شانه بزرگترهای مان ایستاده ایم. خانواده باید قبل از ازدواج وارد عمل شوند، بعد از آن به جوانان اعتماد کرده و دخالت را کم کنند. والدین در این مقطع می‌توان فقط به آنها نظر و ایده بدهند.» محسن؛ 58 ساله و بازنشسته وزارت فرهنگ و ارشاد است. او 20 سال است که ازدواج کرده و از زندگی راضی است. او می‌گوید: «امروز پدر و مادرها در مسئله ازدواج بچه‌ها پشان خیلی نقش ندارند. همه چیز دست خود جوانان است.»

تضاد میان تفکر مدرن و سنتی

اما سوی دیگر این ماجرا اختلاف مدرن و سنتی در ازدواج است که این روزها یک مسئله جدی به نظر می‌رسد و به چالش خیلی از زوج‌ها تبدیل شده است تا جایی که منجر به کشمکش و حتی طلاق و جدایی می‌شود. «علیرضا؛ 40 ساله به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: «این روزها معیارها و شاخص‌ها تغییر کرده است. به این دلیل که ما در جامعه در حال گذار هستیم و آدم‌ها به طور مداوم شخصیت و هویت‌شان را بازاندیشی و بازتعریف می‌کنند. ما در حال گذار از سنت به مدرنیته هستیم و ما هنوز یک جامعه مدرن کامل نیستیم چون مهم‌ترین مولفه سنت که مذهب باشد نقش پررنگی در زندگی ما دارد در حالی کارشناسان این امر خیلی به این چالش فکر نکردند.» من؛ «ها متفاوت شده است حتی بعد از ازدواج همه ما در حال شدن؛ هستیم. نگاه‌ها عوض شده، دیدگاه‌ها تغییر کرده و این تغییرها به مسئله تبدیل شده و این اختلاف‌ها ناشی از همین نکته است. تا نقطه‌ای که به هدف نرسیم و به آن آرمان‌شهر و مطلوبیت مورد نظر نرسیم این چالش‌ها و تعارض‌ها در زندگی‌ها ادامه خواهد داشت.»

سخن آخر اینکه مسئله ازدواج در ایران را نمی‌توان تنها به مشکلات اقتصادی پیش روی آن تقلیل داد. در این میان شاید لازم است بیش از مسائل اقتصادی، سهم تغییرات فرهنگی و نبود وجود آموزش‌های صحیح و پیش‌گیرانه لحاظ شود که نگاه جوانان را نسبت به ازدواج و پذیرفتن مسئولیت‌های زندگی منفی و بی‌تفاوت کرده است. اگرچه لزوماً تغییر در سبک زندگی و نگرش افراد منجر به آسیب در نهاد خانواده نمی‌شود، اما ناآگاهی همراه با آموزش‌های غلط و پیروی بدون تدبیر از آن شیوه‌های زندگی که در برخی کشورهای غربی رواج دارد، همگی در کنار هم می‌تواند منجر به آسیب‌هایی برای جوانان، ازدواج و تشکیل خانواده شود که شاید نتیجه بی‌توجهی به این موارد افزایش آمار طلاق باشد که روز به روز در ایران سیر صعودی دارد.

